

پژوهشی در مفهوم دین

عصمت اسلامی

دست آورد؛ به وی کمک می کند تا مصائب زندگی را بدون ناله و شکایت تحمل کند؛ برای مسأله شرّ راه حلی به دست می دهد؛ کیفیت زندگی این جهانی را ارتقاء می بخشد؛ امید به یک زندگی بهتر در آینده را فراهم می آورد؛ مشخصات جامعه ای نمونه و آرمانی را به دست می دهد؛ و سرانجام، برای نجات و رستگاری، برنامه ای عملی مطرح می سازد. نقش برجسته دین، برخلاف فلسفه و اخلاق، این است که برای افراد انسانی، بالاترین درجه از رضایت را از طریق ارتباط زنده با آن چه وی به عنوان قدرت و یا قدرت های مافوق بشری این جهان تشخیص می دهد، فراهم می آورد. دین به اندازه ای ساده است که هر کودک و یا آدم بزرگی می تواند یک تجربه دینی حقیقی داشته باشد؛ و به اندازه ای جامع و پیچیده است که برای درک کامل و بهره گیری تمام از آن، نیازمند به تجزیه و تحلیل است.

قدیمی ترین آثار انسانی که به نوعی با اعتقادات دینی مربوط می شود، به زمانی بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار سال پیش بر می گردد، یعنی بقایای انسان نئاندرتال. برای تعریف درست از دین، باید دشواری هایی را که بر سر راه

وجه تمایز اصلی بشر، دین است. بعضی از حیوانات ممکن است از بعضی از افراد بشر در توانایی های خاص، قدرت همراهی و یا قدرت تولید پیشرفته تر باشند، اما تا جایی که عقل بشر گواهی می دهد، تا کنون هیچ حیوانی، نشانه ای از یک حیات دینی بروز نداده و یا هیچ حیوانی، هرگز کاری نکرده که بتوان آن را به عنوان حرکت دینی به حساب آورد. در تاریخ بشر هرگز قبیله ای وجود نداشته که به نوعی دین نداشته باشد. حتی بومیان استرالیای مرکزی و یا سرخپوستان پاتاگونیا که دارای پست ترین صور موجود زندگی بشری هستند، نیز به نوعی به عالم ارواح اعتقاد دارند.

دین از قدرتمندترین عوامل مؤثر تاریخ بشری بوده است. خصیصه واقعا برجسته و سرآمد تمام تاریخ بشر، همان دین است. بشر واقعا معتقد است که در برابر گونه ای روابط خاص فوق بشری قرار دارد و از این که کمک های فوق بشری لازم را دریافت کرده، خرسند است. دین به انسان چیزی را می دهد که از هیچ منبع دیگری قابل دریافت نیست. هر دینی معمولاً برای مؤمنین به خود و نیز وضع کلی جامعه مؤثر است. دین کمک می کند تا هر فرد متدین، قدرت و رضایت خاطر بیشتری به



مذهب، کیش، آیین، ورع، طاعت، حساب پاداش و جزا و مکافات. دین و ملت، متحد الذات و مختلف الاعتبارند. پس شریعت را از حیث اطاعت، دین، و از حیث تجمع و اجتماع، ملت، و از لحاظ ارجاع بدان، مرجع نامیده اند و گفته شده: فرق بین دین و مذهب و ملت آن است که دین به خدا منسوب است و ملت به رسول و مذهب به مجتهد.

دین درپارسی کهن، یعنی وجدان، کیش و آیین که واژه اوستایی آن، Daena می باشد. درعربی، دین یعنی اطاعت و انقیاد مذهب و ملت است.

به اعتقاد آگوست کنت، دین یکی از خصایص حیات اولیه انسانی است و بشر از راه اعتقاد به فیتیش و ستاره پرستی، به پرستش خدایان متعدد رسیده است. دورکیم می نویسد: "عقایدی که قبلاً ترجمان جامعه و نظام اجتماعی بود، ترجمان احساسات جمعی نیز خواهد بود". نظر جامعه شناسان فرانسوی به مبادی تمدن بشری این است که پیش از آن که فکر اقوام ابتدایی تفکیک و تحلیل یابد و صور مختلف فعالیت های اجتماعی، اعم از نظری و عملی از دین بیرون بیاید، انسان ها دارای دین بوده اند و معتقدات مذهبی دراصل با نتایج تجربیات و عوامل سیاسی و اقتصادی و اخلاقی آمیخته بوده و تمام عوامل اجتماعی را دربرداشته است؛ به عبارت دیگر، اگر امروز می بینیم که حقوق و اخلاق و خانواده و غیره به تدریج جنبه دینی خود را از دست داده اند، نباید فراموش کنیم که در اصل، ناشی از مذهب بوده اند و فکر مذهبی منشأ هر گونه افکار بلند و معنوی قرون بعدی بوده است.

دورکیم معتقد است که اولین فکر بشر، مذهبی بوده است. بر خلاف محققینی که ریشه دین و جادو را در نزد اقوام غیر متمدن یکی می دانند، او روی همان اصل صفت بارز جمعی



تعریف دین وجود دارد، بشناسیم. یکی از این دشواری ها، تنوع بسیار زیاد این پدیده است؛ چرا که طیف وسیعی از اعتقادات و مناسک را در بر می گیرد که از ساده ترین اعتقاد به قدرت نفوذ یک شیء تا اعتقاد به یک عامل جهانی لایتناهی، در دین ها یافت می شود. از ختنه ساده یک کودک و غسل، تا ریاضت کشی سالیان متمادی، در دین ها وجود دارد و تقریباً اشتراکات بین ادیان کم است و با این کمبود، رسیدن به تعریفی از دین، دشوار و یا غیر ممکن می باشد. تعریف درست، تعریفی است که جامع و مانع باشد. جامع، یعنی تمام مواردی را که درون موضوع قرار می گیرد، دربرگیرد؛ و مانع، یعنی هر چیز غیر آن را شامل نشود. هرچند گفته شده که دین پدیده مستقلی از دیگر پدیده هاست و باید بتوان به تعریف مانع رسید، اما به لحاظ این که دین با پدیده های فرهنگی (آداب و هنر و زبان و ادبیات و ...) پیوستگی بسیار نیرومندی دارد، ارائه تعریف مانع را، هم دشوار و یا غیر ممکن می سازد.

دین به معانی دیگر نیز گرفته شده است؛ از آن جمله: ملت،

**دین از قدرتمندترین عوامل
مؤثر تاریخ بشری بوده است.
خصیصه واقعا برجسته و سرآمد
تمام تاریخ بشر، همان دین است.**

بودن نهادهای اجتماعی، دین را مقدم بر سحر و جادو می‌داند. او دین را باور به پدیده‌های مقدس و انجام اعمالی بر پایه مقدسات، و نیز روحانیتی که پیروان را به صورت امت واحد درآورده، تعبیر می‌کند.

روبرت لوی بر آن است که دین واکنش انسان است در برابر پدیده‌های خارق‌العاده و ناشناخته و نیرومند، تا سرحد مخافت و مهابت، و قائل شدن تمییز بین آن نیروها و قوای عادی.

ماکس میلر آلمانی گفته که دین کوشش انسان است برای درک درک نشدنی، رسیدن به نارسیدنی، بیان بیان نشدنی و فهم نامتناهی.

آندره لالاند فرانسوی می‌گوید: "دین، اعتقاد به وجود نیرویی است دارای ارزش مطلق؛ اعم از آن که آن نیرو واحد، کثیر یا منتشر باشد و باورمندان خود حافظ آنند و اعمال جمعی بر پایه آن باور به جای می‌آورند."

رابرتسون اسمیت انگلیسی می‌نویسد: "دین، ارتباط انسان است با نیروهای برتر از طبیعت که هم خیر حیات را خواهند و هم نظم اجتماعی، و همچنین اخلاق حمیده انسانی را برقرار می‌نماید."

درفرنگ آکسفورد، دین، الزام به وفای به عهد و اعتقاد، که مشتق از کلمه عقد (به معنی بستن) می‌باشد - بستن پیمان دروفاداری به قول و قرار و آداب و اعمال ناشی از باور به آن - معنی شده است. جیمز جورج فریزر، مردم‌شناس انگلیسی می‌نویسد: دین، سازش انسان است با نیروهای برتر از طبیعت، که مالک، مدیر و مدبّر هستی‌اند.

آکسفورد در تعریف دیگر دین گفته: "قبول نیرو یا نیروهایی نادیده که سرنوشت انسان را در اختیار دارند و مورد اطاعت، حرمت و پرستش هستند. در حالی که تلقی ذهنی و اخلاقی عموم، از این اعتقاد ناشی می‌شود و نتیجه اثر آن بر فرد و جامعه است؛ و قبول شخصی یا عمومی این احساس، معیاری است برای حیات روحانی و عملی."

هرچند طبق تعریف فوق، ممکن است دینی وجود نیروهای نادیده را قبول نداشته باشد ولی هدف یا غایتی را بپذیرد که فراتر از جنبه عادی زندگی بشری است؛ اما به هر حال دین،

به اعتقاد آگوست کنت، دین یکی از خصایص حیات اولیه انسانی است و بشر، از راه اعتقاد به فیتیش و ستاره پرستی، به پرستش خدایان متعدد رسیده است.

قبول وجود امور یا نیروهایی برتر است.

برای تحقیق در مسأله دین، محققین به شواهد تاریخی اعم از کشفیات باستان‌شناسی و مدارک مکتوب متکی می‌شوند. طبق اطلاعاتی که از کتب دینی به دست می‌آید، کتب مقدس دینی بر اطلاعات الهی که فراگیرنده پهنه ازلی و ابدی است متکی می‌باشند؛ در حالی که علم فقط قادر است پهنه محدودی را فراگیرد که مدارکی از آن در دست دارد و هرگز قادر نیست جز به حدس، از ادوار قدیمی تر از آن سخن بگوید و حتی این چنین حدسی نیز نیازمند رشته‌ای از شواهد است و بدون آن‌ها، علم لب از سخن فرو می‌بندد و ساکت می‌ماند. بنابراین احتمال دارد که علم در زمینه‌هایی که مدرکی در دست ندارد، از شناخت بسیاری حقایق و تحولات در آن زمینه‌ها محروم بماند.

برای تحقیق در امر دین، سه نگرش وجود دارد: ایمانی، فلسفی، علمی.

نگرش ایمانی، نگرش شخص مؤمن و معتقد به دین خاص و پرداختن به دین‌های دیگر است. البته این نگرش بر اساس رد کردن ادیان دیگر و تأیید و اثبات دین خود می‌باشد. در عصر امروز، عمدتاً کتب ملل و نحل، بر این نگرش تحریر یافته است.

نگرش فلسفی، بحث و بررسی ادیان، بر اساس پایگاه و اعتقادات مذهبی محقق است. محقق معمولاً در این شیوه، روش استدلالی را برای اعتقاداتی که به آن رسیده به کار می‌برد. در طول تاریخ، شاهد حضور فلاسفه‌ای بوده‌ایم که در باب مسائل گوناگون، از جمله اثبات وجود خدا، روح و غیره

علیرغم ارتباطات محکم بین دین و دیگر پدیده ها، دین امری مستقل و دارای کیفیات خاصی است. به همین سبب، پیوند بین دین و سایر پدیده ها، به معنی حرکت و تحول همزمان آن ها نیست. دیده شده جوامعی از بعضی جهات تمدن رشد کرده، ولی از جهت دینی پیشرفت نکرده اند و یا بالعکس. علت آن این است که اولاً رسوخ اندیشه های دینی در اذهان و انتقال آن به طریق سنتی یا آیین های دینی و سازمان های دینی در اذهان بوده است؛ به همین نسبت، تغییر آن ها با دشواری روبه روست. ثانیاً دین به معنی قبول باطنی امری است که نیازهای انسان را ارضاء کند و برای یک فرد، به جایگاه روانی و شخصیتی خود او بر می گردد. مثلاً جوامع بومی استرالیا، که در سطوح بسیار پایین تمدن و فرهنگ به سر می برند، یا جامعه آریاییان باستان که یکی از ادیان بزرگ جهان (زرتشتی) در آن ظهور کرد، یا در جامعه اعراب بدوی که دین اسلام در آن ظهور کرد، و یا ژاپن که از لحاظ علم و تکنولوژی از جوامع پیشرفته امروزی می باشد، هنوز به دینی (شینتو) در مرحله باستانی پای بندی نشان می دهد. ولی این نکته نیز باید افزوده شود که دین و علم می توانند بر هم مؤثر باشند.

آن چه که در همه ادیان می توان یافت، قداست یا امر قدسی است که مقوله ای تفسیری و ارزش گذاری مختص به این قلمرو می باشد.

دین با امر مقدس ارتباط نیرومند دارد. می توان گفت آن چه که در تمام ادیان مشترک است، قبول امر یا امری به عنوان مقدس است. اتو آلمانی اولین کسی بود که سعی کرد "مقدس" را به طریقی منظم بیان کند. او خصوصیات امر مقدس را با این ویژگی ها بیان می کند: رازآمیز، اسرار آمیز، هولناک، جذاب.

می توان به ویژگی های بالا، خصوصیات دیگری را نیز افزود: خصوصیت عظمت: امر مقدس لاقلاً برای کسانی که آن را مقدس می دانند، ممکن است دارای عظمت خاصی باشد که این عظمت به نوبه خود، حرمت ایجاد می کند و گاهی به حد پرستش می رسد، مانند کوه المپ.

به استدلال پرداخته اند. امروزه فلسفه دین، عمدتاً به جستجوی عقلانی و ذهنی اموری می پردازد که منشأ دین به حساب می آید.

نگرش علمی، باید به دین به عنوان یک پدیده انسانی و اجتماعی پرداخته شود و از پیش داوری های ذهنی خودداری گردد؛ به تفسیر و تعبیر نپردازد، بلکه مستقیماً با یک واقعیت به نام دین روبه رو شود.

دین در میان جوامع دینی، روح و جوهره فرهنگ است و نظام ارزش ها و معیار تشخیص درست و نادرست و بایدها و نبایدها را در جوامع تعیین می کند.

یوآخیم باخ، برای شناخت و تفاهم دینی، چهار شرط را گذاشته است:

۱- دانستن زبان دین: برای شناخت یک دین، ابتدا باید زبان آن را بدانیم. مفاهیم دینی از یک زبان به زبان دیگر قابل نقل نیست و در نقل آن، بخش بزرگی از بار معنایی آن از بین می رود. مفاهیم هر دین را به زبان همان دین باید شناخت و فهمید.

۲- ایجاد زمینه عاطفی مساعد: اگر دینی را از دید خصمانه و منتقدانه بخواهند بشناسند، هرگز نخواهند شناخت.

۳- داشتن تجربه مشترک: یعنی شخص، اول خود باید تجربه دینی داشته باشد تا به تجربه دینی کس دیگر پی ببرد.

۴- چگونگی قصد و نیت: قصد و نیت باید معطوف به شناخت و فهمیدن باشد، نه رد کردن یا معارضه و مناقشه.

یوآخیم باخ، رستگاری بشر را از راه دین خواهان است. او معتقد بود که توجه اصلی دین، نجات نوع انسان از همه بلیات و آفات است.

**ماکس میلر آلمانی گفته که دین
کوشش انسان است برای درک
درک نشدنی، رسیدن به نارسیدنی،
بیان بیان نشدنی و فهم نامتناهی.**



**دیده شده جوامعی از بعضی جهات
تمدن رشد کرده، ولی از جهت دینی
پیشرفت نکرده اند و یا بالعکس.**

امر قدسی، می تواند به تبعیت آن مقدس گردد. یک معبد، تا فاصله ای معین از معبد، فضای مقدس به وجود می آورد. هر آن چه ره به خدا می برد، قدسی است. پس دین و قدسی، پی آیند یکدیگرند. میرچا الیاده، قدسی را کانون هر دینی می شناسد. دریافت آدم ها از قدسی، از یک دین به دینی دیگر، ناهمگون است. زیرا صورت ذهنی ای که دین ها از خدا می دهند، همگون نیست. برای یک آنیمیست، خدا همه جا حضور دارد.

دین پدیده ای هم فردی و هم اجتماعی است که با تمام پدیده های بشری ارتباط مستقیم دارد. با مسائل مربوط به هنر و دانش، آداب و رسوم، زبان، تاریخ، ادبیات، اقتصاد، سیاست و ... در ارتباط است. هیچ زاویه و جهتی در زندگی بشر نیست که دین به آن ها مربوط نباشد.

چگونه دین به طور کلی با جامعه مربوط می شود؟ آیا این یک رابطه ثابت و دائمی بوده و یا این که دستخوش تغییر و نوسان است؟ یک گروه مذهبی با تغییرات اجتماعی چگونه برخورد می کنند؟ این نکته در جوامع سنتی تر مورد توجه و دقت قرار گرفته که تعلق داشتن به یک اجتماع دینی، تقریباً مترادف با خود زندگی است. در چنین موقعیتی بسیار مشکل است که مسائل و اعمال مذهبی و اجتماعی را از یکدیگر جدا سازیم. به طوری که وقتی کسی از چنین فردی بپرسد: دین شما چیست؟ پاسخ وی احتمالاً چنین است که، ما دین خاصی نداریم. همه آن چه می بینید، صرفاً راه و روش زندگی ماست. وقتی مذهب و جامعه پیوندی تنگاتنگ دارند، عوامل و منهیات مذهبی بر زندگی خانوادگی، کار و کوشش، حکومت و جامعه سیطره داشته و بدین ترتیب، به نظام اجتماعی موجود در آن جامعه، مشروعیت و اعتبار می بخشد. به تبع این موضوع، تقریباً در

امر قدسی دارای قدرت فوق العاده است. شیء مقدس در این زمینه دارای قدرت کمک کنندگی یا آسیب رسانندگی است. خورشید، هم به انسان ها کمک می کند و هم دارای قدرت است و هم آسیب رسان.

امر قدسی خوفناک و ترس آور است. مردم ابتدایی وقتی ابر سیاه و بعد از آن نور رعد و برق را می دیدند، برای این امر، قداست قائل می شدند و یا برای خسوف و کسوف، قربانی نثار می کردند.

امر قدسی غیر قابل شناخت است. یعنی معتقدین به آن، هیچ توجیهی برای آن ندارند. مانند افرادی که قدرت شفابخشی دارند و این که این قدرت به چه ترتیبی در او ایجاد شده، نا شناخته است، که این امر خود نوعی تقدس می آفریند.

خصوصیت رازآمیز، یعنی ظرفیت امر مقدس درهاله ای از ابهام قرار دارد. فرق اسرارآمیز با غیر قابل شناخت، این است که اسرارآمیز برای عده ای که دارای علم بخصوصی هستند، قابل شناخت است. اما برای اکثریت، این شناخت حاصل نمی شود. افراد محرم، اسرار دعا را می دانند و آن آگاهی را از محرومین دریغ می کنند.

خصوصیت جذاب، بر عکس خوف آور و ترسناک، نوعی علاقه و محبت ایجاد می کند که غالباً دوست داشتنی است. بعضی پدیده ها شامل هر دو هستند.

امور قدسی اشیاء ثابت نیستند، بلکه پویا و فعالند. مثلاً مشابهت چیزی با امر قدسی، باعث تقدس آن چیز هم می شود. مانند شباهت شیر نر با خورشید یا سرگین غلتان با حرکت خورشید که تداعی حرکت خورشید را می کند. بنابر این در مصر مقدس بود. هر چیز که با امر مقدس رابطه داشته باشد، سبب تقدس آن چیز هم می شود. آسمان مقدس است، پس شهاب سنگ ها هم که از آسمان می افتند، مقدسند. اطراف

**شخص، اول خود باید تجربه
دینی داشته باشد تا به تجربه
دینی کسی دیگر پی ببرد.**



به دنبال ایجاد جامعه ای آرمانی و ایده آل رفته اند که اغلب به معنای اختلاط و امتزاج دیگری از مسائل و مطالب اجتماعی و دینی بوده است. در طی قرون اعصار، تغییراتی در زمینه های متعدد به وقوع پیوسته. ژاپن جامعه ای است که در گذشته، به شدت پای بند به ادیان شینتو، کنفوسیوس و بودایی بوده اند، اما امروزه افراد جامعه را با این واقعیت که به شدت تبدیل به جامعه ای غیر دینی (دنیوی) شده است، تحت تأثیر قرار می دهد. در آن جا مذاهب به صورت آرام و غیر مزاحم، به زندگی مردم معنا می بخشند. رابطه رسمی و ساختاری بین دین و جامعه از میان رفته است، ولی استمرار نوعی تأثیر و تأثر و تنش های متقابل، تقریباً اجتناب ناپذیر است. این تنش ها و بهره گیری از باورهای بی پایه و ساختگی، نه تنها به کینه خواهی های خونین و هراسناک خواهد انجامید، که بر هم زدن سامان جهانی را ممکن است به بار آورد. کور دینی و بهره گیری گسترده از آن، به ویژه کشتار و تبهکاری به نام خدا و در راه خدا، نه تنها هراسناک، که نکوهیده و بزهکاری است. به قول مرحوم آشتیانی: "من صدها بار در نوشتارهای خود به این گفته تکیه کرده ام که راه خدا و خواست خدا، آفرینش است که در آن به یاری آفریده های میرنده، نیازی نیست؛ کن فیکون. آن چه که باید، شاید و آید. دریافت راه خدا و خواست خدا، به آدم اندیشمند نیاز دارد. پس شایسته ترین تلاش در راه خدا، یاری به پرورش آدمیان اندیشمند و ژرف نگر و نیک اندیش است که راه و روش هماهنگی با دهنا و سازگان آفرینش (اشا) را به نیکی دریابند."

دین با امر مقدس ارتباط نیرومند دارد. می توان گفت آن چه که در تمام ادیان مشترک است، قبول امر یا اموری به عنوان مقدس است.

کلیه جوامع سنتی اعم از هندو، مسلمان و کاتولیک قرون وسطی می بینیم که نظم اجتماعی موجود نیز به نوبه خود، از ساختارهای دینی حاکم حمایت می کند. در چنین جوامعی هر گونه تغییر و تبدیل، با مقاومت روبه رو می شود و فردی هم که چنین تغییراتی را مطرح می کند، در تضاد و تنازع با حالت رخوت و سستی حاکم بر جامعه که می گوید "ما همیشه این کار را به همین صورت خاص انجام داده ایم"، و نیز در مقابل رهبری سیاسی - دینی جامعه که خود را نگهبان جامعه قلمداد کرده و می گویند "خداوند به ما فرمان داده که این کار را به همین صورت خاص انجام دهیم" روبه رو می شود. این حالت اختلاف و امتزاج سنتی مذهب و جامعه، قرن هاست که در مغرب زمین، به تدریج رو به کم شدن و زوال است. با این نتیجه که بعضاً ثبات و دوام اجتماعی، در معرض لطمه قرار گرفته و مزیت تأثیر و تأثر متقابل دین و جامعه رخت از میان بر بسته است. مسأله جدایی کلیسا از حکومت، غالباً به معنای نوعی مصالحه و کاری به کار هم نداشتن بوده است، زیرا که این دو مقوله، در فضاهای جداگانه ای فعالیت و استنشاق می کنند. اما به هر حال در مسائلی نظیر دعا خواندن و نیایش صبح گاهی در مدارس عمومی یا دولتی، در تعارض با هم قرار گرفته اند. به اعتقاد نویسندگان خارجی، مذهب و جامعه، این طور نبوده است که همواره با یکدیگر راه آمده باشند، خواه در گذشته یا در روزگار امروز. آن چه که در چهره فیلسوف مشهور چینی، جوانگ دزو و افرادی که در انجمن های سری عضو بوده اند می بینیم، پیروان دین دائویی در روزگار باستان را می توان در مقابل جامعه کنفوسیوسی آن عصر همچون عده ای یاغی و شورشی قلمداد نمود. تاریخ مسیحیت، مملو از افراد، چهره ها و گروه هایی است که دنیا را سراسر شرّ و فساد انگاشته و آن را به مقصد یک دیر و صومعه ترک کرده اند و یا

دین پدیده ای فردی و اجتماعی است که با تمام پدیده های بشری ارتباط مستقیم دارد. با مسائل مربوط به هنر و دانش، آداب و رسوم، زبان، تاریخ، ادبیات، اقتصاد، سیاست و... در ارتباط است. هیچ زاویه و جهتی در زندگی بشر نیست که دین به آن ها مربوط نباشد.